



آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

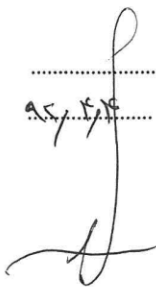
ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب... دانشجوی رشته... مقطع... دانشکده... در تاریخ... ورودی سال تحصیلی...»
مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....

تاریخ: ۹۵/۴/۲۴



آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی- پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته فلسفه تربیتی است که در سال ۹۱ در دانشکده، ادبیات و علوم انسانی دانشگاه، تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر سید مهدی سجادی و مشاوره جناب آقای دکتر محسن ایمانی از آن دفاع شده است.»


ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب: سعیده قاسمی دانشجوی رشته: تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش مقطع: کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: سعیده قاسمی

تاریخ و امضا: ۹۴/۴/۴




دانشکده : علوم انسانی
پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: علوم تربیتی
گرایش: تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

عنوان پایان نامه:
تربیت اجتماعی زیبایی شناسانه، پارادایمی بدیل برای تربیت اجتماعی دگماتیستی

نام دانشجو:
سعیده قاسمی

استاد راهنما:
سید مهدی سجادی

استاد مشاور:
محسن ایمانی

دی ماه ۹۱.

... به حقیقت کودکان

ز.ط.ا

...

تقدیر:

نگارنده بر خود فرض می‌داند که از رهنمودهای ظریفانه و موثر استاد گرامی دکتر سید مهدی سجادی، کمال تشکر را نمایم. و از جناب دکتر محسن ایمانی مهربان که با حسن توجه و همراهی و نیز دکتر شهین ابروانی که با نگاه تیربینانه در تقدیم نگارنده را در این راه یاری کردند و همچنین دکتر صادقیزاده عزیز که با سه صدر و آغوش باز، همواره پذیرای نظرات دانشجویان است، قدر دانی نمایم.

چکیده:

یکی از معضلات ریشه‌داری که منجر به مخدوش شدن تعامل‌های انسانی می‌شود، مسئله دگماتیسم است. دگماتیست نسبت به اندیشه‌اش به حدی از یقین می‌رسد که آنها را غیر قابل خدشه و همیشگی می‌پندارد و از طرفی نسبت به دیدگاه دیگری دارای روحیه لجاجت و حتی در پیش گرفتن رویه‌ای طرد گونه و تهاجمی، خواهد شد. اصول و روش‌هایی که دگماتیسم‌ها در تعاملاتشان به کار می‌گیرند به شرح زیر است:

اصل اول برابر نبودن انسان‌ها با هم است و روش‌هایی که دگماتیست‌ها از رهگذر آن این اصل را در عمل به کار می‌گیرند شامل، تبعیض، ایجاد روابط مرید و مرادی، نقد اشخاص و رای افکار، یکسان‌سازی، برجسته کردن تمایزات، عدم یگانگی و حساسیت معکوس است. اصل دوم کشف کامل حقیقت است و روش‌هایی که به واسطه آنها این اصل در عمل پی‌ریزی می‌شود: شامل برخورد گزینشی و تغییر حقایق به تناسب موقعیت (برخورد دو گانه) است. اصل سوم، سد کردن راه ورود اطلاعات است و روش‌هایی که به واسطه آن به سد اطلاعات پرداخته می‌شود شامل سانسور، تعبیر و تفسیر به زعم خود، تقلید و در نهایت خروج از تعادل است. راه‌رخنه در تفکر دگماتیستی، استفاده از راه‌های غیرمستقیم است. هنر با نفوذ به درون فرد، منجر به تحریک وی برای طی کردن فرایندی می‌شود که از گذر(قبل) آن شخص به کشف حقایق نائل می‌شود. کارترین عرصه‌ای که هنر می‌تواند، بواسطه آن، این رسالت خود را ایفا کند نظام آموزشی است. به کارگیری تربیت زیبایی‌شناسانه در مدارس منجر به ایجاد روحیه انتقادی، شکوفایی و بروز طبیعت درون و در نهایت نزدیک شدن به فهم دیگری یعنی همان چیزی که، جامعه دگماتیستی به آن نیاز دارد، می‌شود. اولین اصلی که به واسطه آنها تربیت زیبایی‌شناسانه در جهت تعدیل تربیت دگماتیستی پیش می‌رود، داوری فارغ از تمنیات درونی است و روشی که به واسطه آن مربی به تقویت داوری صحیح می‌پردازد، روش پرسش و پاسخ است. اصل دوم، همراه شدن با خرد جمعی است و روشی که به واسطه آن مربی به تقویت حس مسولیت و احترام به دیگری می‌پردازد، روش مباحثه است. اصل بعدی ارتقاء حساسیت است، که به واسطه هماهنگی دو قوا ایجاد می‌شود. روش‌هایی که به واسطه آنها مربی ارتقاء حساسیت را در متری ایجاد می‌کند شامل ارائه دروس در قالب‌های هنری و نیز مباحثه و تجربه است. اصل دیگر، دیالکتیک برونی است و روش‌های این اصل، ایفای نقش و گردش در طبیعت است. اصل دوم دیالکتیک درونی است و روش‌هایی که به واسطه آن مربی، متری را به گشودگی درونی، سوق می‌دهد شامل ایفای نقش، توجه به هارمونی آثار هنری و هدایت به سوی هارمونی طبیعت است.

کلمات کلیدی: تربیت اجتماعی، دگماتیسم، پارادایم، زیبایی‌شناسی

۱.....	فصل اول: کلیات ۱
۲.....	مقدمه:
۳.....	۱-۱- بیان مساله:
۹.....	۲-۱- اهداف:
۹.....	۳-۱- سوالات تحقیق:
۹.....	۴-۱- روش انجام تحقیق:
۱۰.....	۵-۱- ابزار پژوهش:
۱۰.....	۶-۱- تعریف مفاهیم کلیدی
۱۰.....	۱-۶-۱- تربیت اجتماعی:
۱۱.....	۲-۶-۱- تربیت اجتماعی دگماتیسمی
۱۲.....	۳-۶-۱- پارادایم
۱۳.....	۴-۹-۱- تربیت اجتماعی زیبایی شناسانه
۱۶.....	فصل دوم: ادبیات پژوهش
	۱-۲- بخش الف: مبانی نظری
	۱-۱-۲- تربیت اجتماعی
۱۷.....	۲-۱-۱-۱- فرد و اجتماع:
۱۸.....	- اصلت فرد:
۱۹.....	- اصلت جمع:
۲۱.....	- دیدگاه تلفیقی:
۲۲.....	۲-۱-۱-۲- معنا و مفهوم تربیت اجتماعی
۲۳.....	۲-۱-۱-۳- اهمیت تربیت اجتماعی
۲۵.....	۲-۱-۱-۴- رویکرد های تربیت اجتماعی
۲۵.....	- نظریه محافظه کاری
۲۶.....	- نظریه انتقادی
۲۹.....	- نظریه دموکراتیک
۳۳.....	- دیدگاه پست مدرن
۳۷.....	۲-۱-۲- تعریف دگماتیسم
۳۸.....	۲-۱-۲-۱- انواع دگماتیسم:
۳۸.....	- جزم گرایی الهیاتی:
۳۹.....	- جزم گرایی علمی:
۴۲.....	- جزم گرایی فلسفی:

۴۳	۲-۱-۳- مفهوم زیبایی شناسی
۴۵	۲-۳-۱-۲- انواع زیبایی
۴۲	طبیعی
۴۲	هنری
۴۵	۲-۳-۱-۲- تعریف تربیت زیبایی شناسانه
۴۷	۲-۱-۴- کانت
۵۱	۲-۱-۵- شیلر
۵۳	۲-۱-۶- هویت جمعی و سیلان
۵۸	۲-۲- بخش ب: پیشینه عملی پژوهش:
۵۸	۲-۲-۱- پیشینه تربیت اجتماعی:
	۲-۲-۱- زیبایی شناسی:
۵۹	۲-۲-۱- پیشینه داخلی:
۶۰	۲-۲-۱- پیشینه خارجی:
62	فصل ۳ تربیت اجتماعی دگماتیستی:
۶۴	مقدمه:
۶۵	۳-۱- مبنای اول:
	برخورداری از خود برتر بینی معرفتی
۶۵	۳-۱-۱- اصل: برابر نبودن انسان‌ها با هم
	روش‌ها:
۶۶	۳-۱-۱-۱- تبعیض:
۶۷	۳-۱-۱-۲- روابط مراد و مریدی
۶۸	۳-۱-۱-۳- نقد اشخاص، و رای افکار
۶۹	۳-۱-۱-۴- یکسان سازی
۷۰	۳-۱-۱-۵- برجسته کردن تمایزات و عدم یگانگی
۷۱	۳-۱-۱-۶- حساسیت معکوس
	۳-۲- مبنای دوم:
۷۲	اصالت سنت‌ها و پیش فرض‌ها
۷۴	۳-۲-۱- اصل دوم: سد کردن راه ورود اطلاعات
	روش‌ها:
۷۴	۳-۱-۱-۲- کتمان
۷۵	۳-۱-۲- تعبیر و تفسیر به زعم خود
۷۵	۳-۱-۲- تقلید

- ۷۷.....۳-۲-۱-۴- خروج از تعادل.....
- ۷۳.....۳-۳- مبنای سوم.....
- ۷۹.....حقیقت به طور کامل قابل دسترسی است.....
- ۷۹.....۳-۳-۱- اصل: کشف کامل حقیقت.....
- ۸۲.....روش‌ها:.....
- ۸۲.....۳-۳-۱-۱- برخورد گزینشی.....
- ۸۲.....۳-۳-۱-۲- تعبیر حقایق به تناسب موقعیت (برخورد دوگانه).....
- ۸۶.....جدول.....
- ۸۷.....فصل چهارم: تربیت زیبایی شناسانه، پارادایم بدیل.....
- ۸۸.....۴-۱- مبنای اول: داوری فارغ از علقه.....
- ۸۸.....۴-۱-۱- اصل: داوری فارغ از تمنیات درونی.....
- ۸۹.....۴-۱-۱-۱- روش: پرسش و پاسخ.....
- ۹۰.....۴-۲- مبنای دوم: زیبا در جامعه زیباست.....
- ۹۱.....۴-۲-۱- اصل: همراه شدن با خرد جمعی.....

روش‌ها

- ۹۱.....۴-۲-۱-۱- مباحثه.....
- ۹۲.....۴-۲-۱-۲- تجربه.....
- ۳-۴-۳- مبنای سوم: تجربه زیبایی شناسی (بازی) رابط دو حوزه حس و عقل.....
- ۹۲.....عقل.....
- ۹۴.....۴-۳-۱- اصل: ارتقاء حساسیت (هماهنگی دو قوا).....
- ۹۶.....روش‌ها.....
- ۹۶.....۴-۳-۱-۱- مباحثه.....
- ۹۷.....۴-۳-۱-۲- ارائه دروس در قالب‌های هنری.....
- ۹۸.....۴-۳-۱-۳- تجربه.....
- ۹۸.....۴-۴- مبنای چهارم: کشف حقایق پنهان.....
- ۱۰۲.....۴-۴-۱- اصل اول: دیالکتیک برونی (گشودگی به برون).....

روش‌ها:

- ۱۰۴.....۴-۴-۱-۱- ایفای نقش برای گشودگی به بیرون.....
- ۱۰۵.....۴-۴-۱-۲- گردش علمی در طبیعت.....
- ۱۰۶.....۴-۴-۲- دیالکتیک درونی (گشودگی به درون).....

روش‌ها:

- ۱۰۹-۴-۲-۱- ایفای نقش برای صراحت درون ۱۰۹.
- ۱۰۹-۴-۲-۲- توجه به هارمونی آثار هنری ۱۰۹.
- ۱۱۰-۳-۴-۲- توجه دادن و هدایت به سوی هارمونی طبیعت ۱۱۰.
- ۱۱۱-۴-۵- محتوای برنامه درسی هنر و دیگر دروس ۱۱۱.
- ۱۱۱-۴-۵-۱- موسیقی: ۱۱۱.
- ۱۱۲-۴-۵-۲- نقاشی: ۱۱۲.
- ۱۱۳-۴-۵-۳- فیلم: ۱۱۳.
- ۱۱۴-۴-۵-۴- تأثر: ۱۱۴.
- ۱۱۶-۴-۵-۵- ارتباط با طبیعت: ۱۱۶.
- ۱۱۷-۴-۵-۶- ارائه محتوا به شکلی زیبایی‌شناسانه: ۱۱۷.
- ۱۱۸- جدول ۱۱۸.
- ۱۱۹- فصل ۵: بحث نتیجه‌گیری و پیشنهاد ۱۱۹.
- ۱۲۰- مقدمه: ۱۲۰.
- ۱۲۰-۵-۱- سوال اول: مبانی اصول و روش‌های تربیت اجتماعی دگماتیستی چیست؟ ۱۲۰.
- ۱۲۱-۵-۱-۱- مبنای اول: برخورداری از خود برتر بینی معرفتی ۱۲۱.
- ۱۲۱-۵-۱-۱- اصل: برابر نبودن انسان‌ها با هم ۱۲۱.
- ۱۲۱- روش‌ها: ۱۲۱.
- ۱۲۱- تبعیض ۱۲۱.
- ۱۲۲- روابط مرید و مرادی ۱۲۲.
- ۱۲۲- نقد اشخاص و رای افکار ۱۲۲.
- ۱۲۳- یکسان‌سازی ۱۲۳.
- ۱۲۳- برجسته کردن تمایزات و عدم یگانگی ۱۲۳.
- ۱۲۳- حساسیت معکوس ۱۲۳.
- ۱۲۴- مبنای دوم: حقیقت به طور کامل قابل دسترسی است. ۱۲۴.
- ۱۲۴-۵-۱-۲- اصل دوم: کشف خلق الساعه حقیقت ۱۲۴.
- ۱۲۴- روش‌ها: ۱۲۴.
- ۱۲۴- برخورد گزینشی ۱۲۴.
- ۱۲۴- تعبیر حقایق به تناسب موقعیت (برخورد دوگانه) ۱۲۴.
- ۱۲۴-۵-۱-۳- مبنای سوم: اصالت سنت‌ها و پیش‌فرض‌ها ۱۲۴.
- ۱۲۵-۵-۱-۳- اصل: سد کردن راه ورود اطلاعات ۱۲۵.
- ۱۲۵- روش‌ها: ۱۲۵.
- ۱۲۵- سانسور ۱۲۵.

- ۱۲۵-تعبیر و تفسیر به زعم خود.....
- ۱۲۵-تقلید.....
- ۱۲۵-خروج از تعادل.....
- سوال ۲: مبانی، اصول، روش‌ها و محتوای تربیت اجتماعی زیبایی‌شناسانه چیست؟..... ۱۲۶
- ۱-۲-۵- مبانی اول: زیبایی فارغ از علقه است..... ۱۲۶
- ۱-۲-۵- اصل: داوری صحیح فارغ از تمنیات درونی..... ۱۲۶
- روش:..... ۱۲۶
- پرسش و پاسخ..... ۱۲۶
- ۲-۲-۵- مبانی دوم: زیبا در جامعه زیباست..... ۱۲۶
- ۱-۲-۲-۵- اصل: همراه شدن با خرد جمعی..... 127

روش:

- ۱۲۷-مباحثه..... ۱۲۷
- ۱۲۷-خلق..... ۱۲۷
- ۳-۲-۵- مبانی سوم: بازی واسط دو حوزه حس و عقل..... ۱۲۷
- ۱-۳-۲-۵- اصل: ارتقاء حساسیت..... ۱۲۷
- روش‌ها:..... ۱۲۸
- مباحثه..... ۱۲۸
- ارائه دروس در قالب های هنری..... ۱۲۸
- تجربه..... ۱۲۸
- ۴-۲-۵- مبانی چهارم: کشف حقایق پنهان..... ۱۲۹
- ۱-۴-۲-۵- اصل اول: دیالکتیک برونی..... ۱۲۹
- روش‌ها:..... ۱۲۹
- ایفای نقش برای گشودگی به واقعیات..... ۱۲۹
- گردش در طبیعت..... ۱۲۹
- ۲-۴-۲-۵- اصل دوم: دیالکتیک درونی..... ۱۳۰
- روش‌ها:..... ۱۳۰
- ایفای نقش..... ۱۳۰
- توجه به هارمونی اثر..... ۱۳۰
- توجه و هدایت به سوی هارمونی طبیعت..... ۱۳۱
- ۳-۵- سوال ۳: تربیت زیبایی‌شناسانه اجتماعی چگونه نقش خود را در اصلاح و تعدیل اثرات سوء تربیت اجتماعی بازی می‌کند؟..... ۱۳۱

پاسخ:

- ۱-۳-۵- اصل ۱: عدم برابری انسان ها..... ۱۳۱

۵-۳-۱-۱- پارادایم بدیل ۱

اصل: دیالکتیک برونی

۱۳۴..... روش: ایفای نقش

۵-۳-۱-۲- پارادایم بدیل ۲

اصل: گشودگی به درون

۱۳۴..... روش: ایفای نقش

۵-۳-۱-۳- پارادایم بدیل ۳

اصل: ارتقا حساسیت

۱۳۶..... روش: مباحثه، ارئه دروس در قالب های هنری،

۵-۳-۱-۴- پارادایم بدیل ۴

اصل: داوری فارغ از علقه

۱۳۷..... روش: پرسش و پاسخ

۵-۳-۱-۵- پارادایم بدیل ۵

اصل: همراه شدن با خرد جمعی

۱۳۸..... روش: مباحثه و خلق

۵-۳-۱-۶- پارادایم بدیل ۶

اصل: ارتقا حساسیت

۱۳۹..... روش: مباحثه

۵-۳-۱-۷- پارادایم بدیل ۷

اصل: دیالکتیک درونی و برونی

۱۴۰..... روش‌ها: هارمونی اثر هنری و گردش در طبیعت

۵-۳-۲- اصل ۲: سد کردن راه ورود اطلاعات(اصالت سنت ها)..... ۱۴۰

۵-۳-۱-۱- پارادایم بدیل ۱

اصل: دیالکتیک درونی

۱۴۲..... روش: ایفای نقش برای صراحت درون

۵-۳-۲-۲- پارادایم ۲

اصل: دیالکتیک برونی

۱۴۴..... روش‌ها: گردش در طبیعت

۵-۳-۲-۳- پارادایم بدیل ۳

اصل: دیالکتیک درونی

۱۴۴..... روش: ایفای نقش برای صراحت درون، توجه به هارمونی آثار و طبیع

۵-۳-۲-۴- پارادایم بدیل ۴

۱۴۵ اصل: داوری صحیح روش: پرسش و پاسخ
 ۵-۳-۲-۵- پارادایم بدیل ۵
 اصل: ارتقای حساسیت
۱۴۵ روش‌ها: ارائه دروس در قالب های هنری مباحثه و تجربه
۱۴۵ ۵-۳-۳- اصل ۳: کشف خلق الساعه (کامل) حقیقت
۱۴۶ ۵-۳-۳-۱- پارادایم بدیل ۱
 اصل: دیالکتیک درونی و برونی
۱۴۶ روش: ایفای نقش
۱۴۷ ۵-۴- محدودیت های پژوهش
۱۴۷ ۵-۵- جمع بندی:
۱۴۹ ۵-۶- پیشنهادات
۱۴۹ ۵-۶-۱- پیشنهادات اجرایی
۱۴۹ ۵-۶-۱- برنامه ریزان آموزشی
۱۵۰ ۵-۶-۲- معلمان
۱۵۰ ۵-۶-۲- پیشنهادات پژوهشی
۱۵۲ جدول
۱۵۴ فهرست منابع فارسی
۱۵۹ فهرست منابع انگلیسی
۱۶۲ چکیده انگلیسی
۱۶۳ عنوان انگلیسی

فصل اول: کلیات

هر آنچه شاعرانه تر باشد، حقیقی تر است.

نوالیس

مقدمه:

وجود تعارضات و کشمکش‌ها در تعامل‌ها اجتماعی موضوعی است که همیشه مورد توجه صاحب نظران در حیطه‌های مختلف روانشناسی، سیاسی و اجتماعی بوده و در هر حیطه به کند و کاو این مساله بنا به نوع نگاه آن حیطه پرداخته شده است اما آنچه مسلم به نظر می‌آید این است که وجود این تضادها ناشی از صحیح نبودن تربیت اجتماعی شهروندان است، تربیت اجتماعی که واجد ویژگی‌هایی خاص باشد. یکی از معضلات ریشه‌داری که منجر به مخدوش شدن تعامل‌ها انسانی می‌شود، مسئله دگماتیسم است. در پژوهش پیش رو بر آنیم که پارادایمی بدیل، به منظور ایجاد نوعی از تربیت اجتماعی که از درون برخاسته و فرد و اجتماع را از گزند و آسیب دگماتیسم محافظت می‌کند، پیشنهاد دهیم.

۱-۱- بیان مساله:

در اجتماعی که با انفجار اطلاعات مواجه‌ایم و از هر سو در معرض افکار و عقاید و القای اندیشه‌های متفاوت هستیم و در جهانی که در هر گوشه آن تفاوت‌های ملی، مذهبی، عقیدتی و قومیتی منجر به کشمکش‌های بی‌امان می‌شود، به نظر می‌رسد، باید به نوعی از تربیت اجتماعی مجهز بود تا در این روند رو به افزایش انفجار اطلاعات و برخورد عقاید بتوان، با اتکاء به آن نوع تربیت، در جهت ایجاد اجتماعی سازنده، هماهنگ و عاری از کشمکش گام برداشته شود.

این نوع تربیت اجتماعی تربیتی است که در آن افراد نسبت به افکار و عقاید دیگران دارای روحیه فعال و کنجکاوانه و همچنین دارای برخوردی غیر سوگیرانه، عادلانه و مسئولیت پذیر هستند. در این نوع تربیت فرد این آمادگی را دارد که پیوسته افکار و عقاید خود را مورد واکاوی و تحلیل قرار دهد و در مورد هر امری هر چند آن امور زمانی بدیهی و مرجع تصمیم‌گیری بودند، بررسی، و در صورت لزوم، مورد تجدید نظر قرار خواهند گرفت.

انسان به حکم انسان بودنش و دارندگی قوه تفکر لازم است که اندیشه‌های خود را مدام مورد واری قرار دهد. این رویه در منش خود به خود منجر به این خواهد شد که طریقی پذیرا در شنیدن ایده و عقاید دیگران در پیش گرفته شود. تنها به این واسطه است که فرد به بالندگی فکری خواهد رسید.

این طریق پذیرا در برابر نظرگاه‌های دیگر به معنای داشتن روحیه انفعالی نیست، بلکه فرد از رهگذر بررسی و واکاوی خود است که روحیه‌ای پذیرا در شنیدن صدای دیگری و در کل محیط پیرامونش، در پیش می‌گیرد. "عدم توجه به نظر دیگران به تدریج قدرت تفکر و اندیشه‌ورزی را کاهش داده و فرد را تک بعدی بار می‌آورد" (جهانبگلو، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).

در این نوع تفکر اجتماعی افراد نه مبادرت به قبول کورکورانه امری و نه طرد بدون اندیشه آن می‌کنند، بلکه به واری افکار و ایده‌ها می‌پردازند، شک و تردید در اموری که با آنها زندگی می‌کنیم، هراس آور نیست، آنچه صحیح نیست، دیدن امور به صورتی است که فرد به شکلی غیر منطقی و غیر مستدل به

آن متمایل است، نه به صورتی که واقعاً وجود دارند یا حقیقت دارند. یک شهروند دارای تعامل اجتماعی سالم شهروندی است که دارای جسارتی است که، به واسطه آن خود را از انفعال به در آورده و دارای روحیه کاوشگری باشد.

" مراد از روحیه کاوشگری جستجوی فعال، پرسشگری و هوشیاری دائمی برای ارتباطات و آمادگی همیشگی برای مقایسه و تحلیل فرضیه‌ها، سنجش و امتحان آنها است. و بجای حفظ آراء و نتایج خود و دیگران انتظار می‌رود در هر حیطة ای به جستجو پرداخته شود" (Lipman, ۱۹۹۳, p۴۳).

لازمه روحیه کاوشگری، واکاوی و تحلیل داشته‌های فکری است، آن‌چنان که فرد به سوی فکر متعالی‌تر رهنمون شود. " در صورتی قادر به تفکر انتقادی هستیم که، بتوانیم تصور و برداشت خود را از واقعیت دست‌کم به طور موقت کنار بگذاریم" (مایرز، ایبلی، ۱۳۸۳، ص ۲۰).

اما، آیا این وضعیت آرمانی در اجتماعات ما وجود دارد؟ آیا افراد اجتماع حامل روحیه کاوشگری و سعه صدر در مقابل دیگران هستند؟ افراد تا چه حد احساس نیاز به واکاوی باورها و اندیشه‌های پیشینی خود می‌کنند؟ آیا افراد جامعه در داشتن تفکری کاوشگراییانه و نقادانه آزادند؟ چه عوامل فردی و اجتماعی مانع این امر و در نتیجه تعامل‌ها ناقص و چه بسا نابهنجار می‌شود؟

آن‌گاه که در اجتماع افراد نه تنها سعه صدری در مقابل نظرات متضاد نداشته باشند، بلکه به دلیل شیفتگی نسبت به ایده و افکار مشخصی، قادر به بررسی افکار و ایده‌های نو و یا متضاد با باورهای خود نباشند راه را بر تکامل‌های فردی و اجتماعی بسته می‌بندند. دارنده این منش و روش برخورد، در کشمکش مداوم با دیگر عقاید و بعضاً افراد بسر می‌برد. بنابر این می‌توان گفت: دگماتیسم^۱ نوعی روش برخورد با دیگر افراد است که نشأت گرفته از نگاهی خاص نسبت به خود دیگری و هستی است.

"دگماتیسم به معنی شک ناپذیر شمردن عقیده معینی است که، پذیرندگانش نپذیرفتن آن را از سوی دیگران به خطا رفتن و گمراه بودن می‌شمارند. خطر دگماتیسم در مطلق شمردن است. زیرا مطلق شمردن هر راه دیگری را ناممکن می‌شمرد. در واقع رسیدن به ذات حقیقت در پی کوشش آزادانه‌ای

¹ dogmatism

حاصل می‌شود، کوششی که ملازم با شک است کوششی که می‌توان به وسیله آن به نسبی بودن دیدگاه-ها و محدودیتی که از آنان برمی‌خیزد، واقف شد. و این حرکتی است برای اندیشه، یعنی پرسش‌گری و سنجش، فراتر رفتن از هر اندیشه محدود و جزئی و از سوی دیگر زمینه‌ای است برای نگرستن به تفکرات به عنوان تصوره‌های متفاوت یک واقعیت حقیقی" (نقیب زاده، ۱۳۷۴، ص ۴۶۳).

(لازم به توضیح است که پذیرفتن هر مطلق‌ی نشانی از به خطا رفتن نیست. پذیرش آن مطلق‌ی به خطا رفتن است که به واسطه این پذیرش رشد و پختگی که بالقوه در فرد وجود داشت سد شود و فرد مجال رشد و پختگی بیشتر را از خود بگیرد.)

آن‌چنان که سروش اذعان می‌دارد: "ما از اندیشیدن انتظار رسیدن به نتایج نوینی را داریم اما دگماتیسم به منزله یک روش نادرست این راه را می‌بندد. با بکار گرفتن آن در نهایت به همان می‌رسیم که ابتدا فرض کرده بودیم" (سروش، بی‌تا، ص ۱۶۴).

فرد دگماتیست تنها به جنبه‌هایی از جهان و عقاید خارج از تصوره‌هایش نظر می‌افکند که در محدوده تفکر و باورهای خودش است. چه بسا حقایقی که در مجاورت فرداند، اما فرد به آنها ره نمی‌برد. "وقتی نهایی تلقی کردن امری جانشین خرد و انعطاف‌پذیری شود، چیزی بدست نخواهد آمد" (هولفیش و گوردون، شریعتمداری، ۱۳۷۱، ص ۲۶۸). نهایی تلقی کردن یک امر به این دلیل است که شخص در فضایی از عادت به سر می‌برد، خو گرفتن و الفت با امور موجود به این معناست که، دگماتیست آن امور و شرایط را به عنوان کاملترین امور و شرایط می‌پذیرد. ویلیام هر معتقد است: "حتی اگر نتایج بوجود آمده با تمام شرایط مناسب بعنوان قضاوتی کامل و بدون نقص مد نظر باشد، نباید راه را برای دلایل و قضاوت‌های جدید بست" (Her, 1971 p 246).

نهایی تلقی کردن امور به این معناست که امور خدشه ناپذیراند و نیازی به بازنگری ندارند" حال آن‌که، امروزه ابطال‌پذیری معیار علمی بودن یک مساله به شمار می‌رود" (یثربی، یحیی، ۱۳۸۲: ۵۱).
راه برخورد با تمامی امور نه برخوردی منفعلانه، بلکه برخوردی فعالانه و نقادانه را می‌طلبد.